

سناریوهای آینده سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال مسئله فلسطین در افق ۱۴۱۴ش

سیدجلال دهقانی فیروزآبادی*، علیرضا صحرایی

گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

مشخصات مقاله	چکیده
مقاله پژوهشی موضوع: روابط بین‌الملل حوزه موضوعی: ایران در قبال فلسطین	هدف اصلی پژوهش حاضر، تبیین پیش‌شرایح کلیدی تأثیرگذار بر سیاست خارجی ایران در قبال فلسطین و سناریوهای مربوط به این روابط است. در این میان، مسئله فلسطین به عاملی هویت‌ساز و نهادینه در کانون گفتمان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده است. با توجه به تداوم این مسئله همچون بحرانی ساختاری در غرب آسیا، وابستگی سیاست ایران به آن، و تغییرات پویای محیط منطقه‌ای و بین‌المللی، واکاوی آینده این سیاست ضرورتی علمی است. سؤال اساسی در نوشتار پیش‌رو چنین صورت‌بندی شده است: مهم‌ترین پیش‌شرایح و عدم قطعیت‌های تأثیرگذار بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال قضیه فلسطین در افق ده سال آینده کدام است؟ این پژوهش، به دلیل ماهیت اکتشافی خود، فاقد فرضیه اولیه است. روش استفاده‌شده در این پژوهش برنامه‌ریزی مبتنی بر سناریو با رویکرد جی‌بی‌ان (GBN) یا عدم قطعیت‌های بحرانی است. روش گردآوری داده کیفی و با استفاده از مصاحبه، نشست خبری و پیمایش دلفی است. همچنین، از نرم‌افزارهای میک‌مک و سناریوی ویزارد برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، براساس خروجی نرم‌افزار از میان ۲۳ متغیر انتخابی، ۵ متغیر در گروه متغیرهای تأثیرگذار، ۵ متغیر در گروه متغیرهای دووجهی (یک متغیر خطر، چهار متغیر هدف)، ۴ متغیر در گروه متغیرهای تأثیرپذیر، و ۹ متغیر نیز در گروه متغیرهای مستقل قرار گرفت. در نتیجه‌گیری، دو پیش‌شرایح «نفوذ منطقه‌ای ایران» و «ائتلاف‌سازی علیه محور مقاومت» محورهای اصلی با بیشترین عدم قطعیت انتخاب شد و چهار سناریوی محتمل «تثبیت هژمونی»، «تعادل قوا»، «افول نفوذ» و «شوک سیستمی» ترسیم‌پذیر است.

واژگان کلیدی:

ایران،
آینده پژوهی،
پیش‌شرایح،
سیاست خارجی،
عدم قطعیت‌های بحرانی،
فلسطین.

ارجاع به این مقاله: دهقانی فیروزآبادی س.ج، صحرایی ع. (۱۴۰۵). «سناریوهای آینده سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال مسئله فلسطین در افق ۱۴۱۴ش». *مطالعات کشورها*. ۴(۳): ۶۲۳-۶۶۷. doi: <https://doi.org/10.22059/jcountst.2025.405598.1393>



وبگاه: <https://jcountst.ut.ac.ir> | رایانامه: jcountst@ut.ac.ir
شاپای الکترونیکی: ۹۱۹۳-۲۹۸۰ | ناشر: دانشگاه تهران

* نویسنده مسئول: ✉ dehghani@atu.ac.ir - <https://orcid.org/0000-0003-1055-531X>

531X

۱. مقدمه و بیان مسئله

سیاست خارجی، به‌منزله حوزه‌ای که پل ارتباطی میان ملت-دولت و محیط بین‌الملل است، تصمیم‌ها و کنش‌های تنظیم‌کننده روابط دولت را با دیگر بازیگران عرصه جهانی شامل می‌شود. این سیاست، شیوه‌ای است که دولت از طریق آن خود را با جهان خارج تطبیق می‌دهد، به منافع فرامرزی اولویت می‌بخشد و ارزش‌های مورد نظر خود را ترویج می‌کند (MacDonald et al., 2007: 1). به عبارت دیگر، خط‌مشی دولت‌ها برای حفظ حاکمیت، دفاع از موجودیت و تأمین منافع ملی در عرصه خارجی است. تحلیل سیاست خارجی، فرایندی پیچیده و چندلایه است که با استفاده از آن، اهداف حکومت‌ها در روابط بین‌الملل و ابزارهای دستیابی به این اهداف بررسی می‌شود (Kubalkova, 2016: 73-75). این تحلیل شامل موارد زیر است: مطالعه نهادهای رسمی و غیررسمی، فرایندهای تصمیم‌گیری، عوامل روان‌شناختی بازیگران، ایدئولوژی‌ها و تأثیر عوامل متعددی چون فرهنگ ملی، موقعیت ژئوپلیتیکی، ساختار سیاسی، تاریخ و افکار عمومی (Erbas, 2022: 5088). سیاست خارجی هیچ کشوری در خلأ شکل نمی‌گیرد، بلکه متأثر از عوامل داخلی، خارجی و فردی است (صحرائی، ۱۳۹۰: ۸؛ صحرائی و نبی‌زاده، ۱۴۰۴: ۲-۳). بر همین مبنا، سیاست خارجی ایران بعد از انقلاب اسلامی نیز براساس مبانی معرفتی، هویتی (ترکیبی از ملی و اسلامی) و انگاره‌های شکل‌دهنده به آن شکل گرفته است.

انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ش، نه تنها ساختار سیاسی داخلی، بلکه معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی را دگرگون ساخت. این انقلاب با طرح گفتمان ایدئولوژیکی جایگزین مبتنی بر اسلام سیاسی و مقاومت در برابر هژمونی غرب، خاستگاهی جدید برای کنشگری در عرصه بین‌الملل ایجاد کرد (رمضانی، ۱۳۸۰: ۴۶-۴۷). در این چارچوب، تقابل با رژیم صهیونیستی به یکی از ارکان اصلی و هویت‌بخش سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تبدیل شد. این تقابل را باید در بستر رقابت دو ایدئولوژی کاملاً متعارض برای نفوذ و کنترل در منطقه غرب آسیا تحلیل کرد: از یک‌سو، گفتمان انقلاب اسلامی با شعار «استکبارستیزی» و دفاع از مستضعفان جهان؛ و از سوی دیگر، طرح صهیونیستی با پشتیبانی قدرت‌های غربی، به‌ویژه ایالات متحده آمریکا، به‌عنوان نماد استعمار نو و اشغالگری در منطقه. بنابراین، سیاست خارجی ایران در تقویت نفوذ منطقه‌ای و بین‌المللی خود با حمایت از جنبش‌های مقاومت فلسطین آشکار می‌شود، زیرا این

حمایت را بخشی از راهبرد گسترده‌تر خود برای مقابله با اسرائیل و غرب و تقویت جایگاه خود در جهان اسلام می‌داند. علاوه بر این، حمایت ایران از جنبش‌های مقاومت ابزاری مهم برای افزایش نفوذ منطقه‌ای و تشکیل اتحادهای راهبردی است (Awwad, 2025: 13838).

در این میان، مسئله فلسطین به محوری‌ترین و نهادینه‌شده‌ترین عنصر در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بدل شده است. این مسئله تنها موضوعی خارجی یا بحران منطقه‌ای معمولی نیست، بلکه به عمق ایستارها و انگاره‌های معرفتی و هستی‌شناسانه و شکل‌دهنده به گفتمان جمهوری اسلامی ایران راه یافته است. دلایل اصلی تمرکز و تأکید ایران بر مسئله فلسطین را می‌توان در چند محور کلیدی خلاصه کرد:

الف) دلایل ایدئولوژیکی و هویتی. فلسطین به نماد آرمان «امت واحدۀ اسلامی» و مبارزه با ظلم تبدیل شده است. دفاع از آن، بخش جدایی‌ناپذیر از مشروعیت داخلی و هویت بین‌المللی نظام جمهوری اسلامی است.

ب) رقابت برای رهبری منطقه. حمایت قاطع از فلسطین، ابزاری راهبردی برای ایران به منظور تثبیت جایگاه خود به عنوان قدرت اثرگذار در غرب آسیا و رقابت با بازیگران رقیب سنتی مانند عربستان سعودی است. این امر، صحنۀ نبرد ایدئولوژی ایران با محور مقابل به رهبری عربستان و اسرائیل است.

پ) مقابله با نفوذ دشمن فرمانطقه‌ای. رژیم صهیونیستی از منظر گفتمان حاکم بر ایران، «پارۀ تن استکبار جهانی» (آمریکا) در منطقه قلمداد می‌شود. بنابراین، مبارزه با آن، در واقع مقابله با راهبرد نفوذ و سلطۀ غرب در غرب آسیاست.

ت) ابعاد امنیتی-راهبردی. تداوم بحران فلسطین و تقویت جبهۀ مقاومت در مقابل اسرائیل، به ایجاد عمق راهبردی برای ایران و دور نگه داشتن تهدیدها از مرزهای خود کمک می‌کند.

مسئله فلسطین از زمان تأسیس رژیم اسرائیل در سال ۱۹۴۸م، به یکی از پیچیده‌ترین و بحران‌زاترین مسائل غرب آسیا تبدیل شده است. دخالت بازیگران فرمانطقه‌ای (مانند آمریکا و انگلیس) و منطقه‌ای (مانند عربستان، مصر و ترکیه) همراه با هویت‌ها و منافع متضاد آنان، به ایجاد بازتاب‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی پیچیده در منطقه انجامیده و سرانجام حق تعیین سرنوشت فلسطینیان را در هاله‌ای از ابهام فرو برده است.

با این توضیحات، مسئله اصلی این پژوهش نه صرفاً شناخت جایگاه فلسطین در سیاست خارجی ایران، بلکه واکاوی علل تفوق راهبردی و ایدئولوژیکی این مسئله بر سایر اولویتهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است. بنابراین، مسئله فلسطین یکی از ارکان هویتی و ایدئولوژیکی نظام جمهوری اسلامی ایران است و در مناسبات خارجی این کشور جایگاهی ممتاز و نهادینه دارد. حمایت از فلسطین بخش قابل توجهی از ظرفیتهای دیپلماتیکی، تبلیغاتی و تا حدی مادی جمهوری اسلامی ایران را به خود اختصاص داده است. تداوم این مسئله بحرانی ساختاری در غرب آسیا و محوریت آن در گفتمان رسمی ایران، ضرورت توجه به آینده این رکن مهم سیاست خارجی را دوچندان می‌کند.

۲. سؤال و اهداف پژوهش

با توجه به تمهیدهای مشکل‌سازی که اشاره کردیم، مهم‌ترین پرسش پژوهش حاضر این است: مهم‌ترین پیشران‌ها و عدم قطعیت‌های تأثیرگذار بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و سناریوهای آینده در قبال قضیه فلسطین در افق زمانی ۲۰۳۵م کدام است؟

آنچه در این میان اهمیت دارد مربوط به آینده است. دغدغه‌ای با ماهیت چپستی و چرایی وجود ندارد. نه توصیف آنچه تاکنون رخ داده و نه چرایی از اینکه چرا اتفاق افتاده است؛ بلکه فراتر از این دو دغدغه‌ای با ماهیت اینکه «برنامه چگونه خواهد بود» وجود دارد. به لحاظ اکتشافی بودن پژوهش، نمی‌توان پاسخی اولیه در قالب فرضیه به دغدغه پژوهش داشت. پاسخ به پرسش پژوهش به آرای نخبگانی و نرم‌افزار میک‌مک سپرده خواهد شد. در پژوهش حاضر، با رویکرد اکتشافی، به دنبال شناسایی مهم‌ترین پیشران‌های کلیدی مؤثر بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قضیه فلسطین با رویکردی آینده‌پژوهانه بوده‌ایم. لذا، این پژوهش، فرضیه‌مبنا نیست و با هدف اثبات یا رد فرضیه‌ای خاص اجرا نمی‌شود. می‌توان پیش فرضی اولیه برای این پژوهش متصور بود که در میان مؤلفه‌های سیاست خارجی، برخی اهمیت و نقش بیشتری دارد که قابل بازشناسی و تبیین خواهد بود.

هدف اصلی در این پژوهش تبیین و طراحی مدل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در موضوع فلسطین با تأکید بر ریشه‌های تاریخی (روندپژوهی)، همچنین سناریونویسی و آینده‌پژوهی آن است. اهداف فرعی این پژوهش نیز به شرح زیر است:

- شناسایی و تبیین عوامل کلیدی و نیروهای پیشران تأثیرگذار بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال موضوع فلسطین و تأکید بر نقش محرک این عوامل؛
- تبیین و شناخت عدم قطعیت‌های تأثیرگذار بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال فلسطین و تأکید بر ماهیت بنیادین این عدم قطعیت‌ها؛
- تحلیل آثار متقاطع نیروهای پیشران و شناسایی عوامل کلیدی با بیشترین تأثیرپذیری از تغییرات محیطی و بیشترین تأثیرگذاری بر جهت‌گیری سیاست خارجی.

۳. مبانی نظری؛ فرهنگ راهبردی

پیکره نظری پژوهش حاضر بر مبنای فرهنگ راهبردی است. مطالعه فرهنگ، به‌مانند متغیری مستقل که در سیاست خارجی تأثیر می‌گذارد، بعد از افول در دهه ۱۹۶۰م، مجدداً در اواخر دهه ۱۹۹۰م رونق دوباره یافت. فرهنگ در شناخت و معرفت تأثیر می‌گذارد؛ همچنین، تأثیرات پیش‌بینی‌نشده‌ای برای ساختارمندی نهادهایی چون بوروکراسی دارد. از سوی دیگر، روش‌های حل منازعه در فرهنگ‌های مختلف، متفاوت است. درواقع، خود فرایندهای سیاستگذاری در حوزه سیاست خارجی ممکن است تحت تأثیر میراث فرهنگی و جامعه‌پذیری قرار گیرد (اسمیت و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۶-۴۷).

فرهنگ راهبردی از عناصر مختلفی تشکیل شده است که هم عوامل مادی و هم عوامل غیرمادی را شامل می‌شود و می‌توان آن‌ها را به سه دسته کلی عوامل فیزیکی (مانند جغرافیا، منابع طبیعی، تغییرات نسلی و فناوری)، عوامل سیاسی (مانند تجربیات تاریخی، نظام سیاسی، اعتقادات نخبگان و سازمان‌های نظامی) و عوامل فرهنگی و اجتماعی (مانند اسطوره‌ها و نمادها) تقسیم کرد. علاوه بر این، هنجارهای بین‌المللی نیز در فرهنگ راهبردی کشورها دخیل است. این هنجارها به‌منزله اعتقادهای بین‌الذهانی درباره ماهیت جهان در تعریف بازیگران، نهادهای آن‌ها و نوع کنش آن‌ها مؤثر است. البته، باید اذعان داشت که وزن و اهمیت این عناصر در همه کشورها یکسان نیست و میزان تأثیرگذاری آن‌ها باتوجه به محیط داخلی و خارجی کشورها متفاوت است (پورآخوندی، ۱۳۹۸: ۸).

نظریه پردازانی همچون الکساندر ونت (Wendt, 1999)، و کاتزنشتاین و جانستون (Johnston & Katzenstein, 1996) فرهنگ راهبردی را دیدگاهی مبتنی بر

نظریه سازه‌انگاری می‌دانند. در واقع، در سازه‌انگاری به عواملی نظیر فرهنگ، هنجار و ایده بهای بسیاری داده می‌شود و کانون توجه و تمرکز بر آگاهی بشری و نقش این آگاهی در روابط بین‌الملل است. الکسلندر ونت، یکی از مهم‌ترین نظریه‌پردازان سازه‌انگاری در همین زمینه، معتقد است که رفتار دولت‌ها برآیندی از منافع آن‌هاست و منافع نیز برآیندی از هنجارهاست. از این رو، هنجارها مقدم بر رفتارهاست و حد و حدود آن را مشخص می‌کند. تأکید بر هنجارها و فرهنگ در درون سازه‌انگاری نشان می‌دهد که چگونه اعتقادهای جمعی سیاستگذاران دولتی خود را در قالب فرهنگ راهبردی نشان و به کنش و رفتار راهبردی آن‌ها در قالب‌های خاصی نظیر تهاجم، تدافع، و بازدارندگی شکل می‌دهد (موسوی، ۱۴۰۱: ۳۶).

بنابراین، مفهوم فرهنگ راهبردی را از طریق رویکرد سازه‌انگاری در روابط بین‌الملل با تأکید بر نقش ایده‌ها، هنجارها، هویت‌ها و جهان‌بینی در درک چگونگی تفسیر واقعیت اجتماعی نزد بازیگران و برساختن منافع خود در امور بین‌المللی، بهتر می‌توان درک کرد (Meyer, 2004: 3)، زیرا نظریه سازه‌انگاری بیشتر متمرکز بر این است که دولت‌ها چگونه هویتی خاص و روایت‌های مربوط به آن را شناسایی می‌کنند. در نظریه سازه‌انگاری، هویت تصاویری از خود و تمایز با دیگران است که بازیگر تعریف می‌کند و از طریق روابط با دیگران (و بازنگری در طول زمان) شکل می‌گیرد (Piet & Simao, 2016: 15). به عبارت دیگر، هویت در فرایندهای اجتماعی، ایجاد و بازسازی مشخص می‌کند که «ما» و «دیگران» چه کسانی هستند (Cook-Huffman, 2009: 19). بدین ترتیب، هویت دولت‌ها نه ثابت و نه تغییرناپذیر است و از دولتی به دولت دیگر فرق می‌کند (چرنوف، ۱۳۹۶: ۱۴۷). هنجارها عناصر تأثیرگذار فرهنگی و معنایی محیط‌های بین‌المللی یا داخلی دولت‌ها هستند (چپرسن و همکاران، ۱۳۹۰: ۸۶).

سازه‌انگاری رابطه هویت و منافع را با مفهوم «نقش» تحلیل می‌کنند. نقش‌های ملی در تصمیم‌گیری سیاست خارجی تأثیر مهمی دارد. هریک از دولت‌ها برای خود طرح نقشی را در نظام بین‌الملل در نظر می‌گیرند. این طرح و نقش، ذهنیت‌های دولت‌ها، ارزش‌ها و هنجارها و تصویری که از جهان دارند، و انتظارات دنیای بیرونی و رفتار مناسب در روابط بین‌الملل را در بر می‌گیرد. بدین ترتیب، سازه‌انگاران تصمیم‌گیری و رفتار بازیگران سیاسی را با توجه به هویت و نقش بازیگران در جامعه تبیین می‌کنند (Lebow, 2009: 3). در نظریه سازه‌انگاری، دولت‌ها کنشگران اقتصادی که براساس منطق پیامد تصمیم‌گیری

می‌کنند، در نظر گرفته نمی‌شوند؛ بلکه کنشگر را در قالب الگوی انسان اجتماعی توصیف می‌کنند. بر این اساس، توضیح سازه‌انگاران از تصمیم‌گیری دولت مبتنی بر منطق تناسب است؛ به این معنا که بازیگران، انسان‌هایی تصور می‌شوند که هویت و نقش‌های خاصی را در موقعیت‌های مختلف برجسته می‌کنند. در حقیقت، «منطق تناسب» بیانگر تصمیم و رفتار مبتنی بر قاعده‌مندی است که در آن کشورها انجام «کار درست» را در خصوص حداکثرسازی منافع خود ترجیح می‌دهند (Mohammad Nia, 2010: 151).

در رهیافت سازه‌انگاران به فرهنگ راهبردی، هنجارهای تشکیل‌دهنده فرهنگ راهبردی هر کشور، هویت و منافع آن کشور را ایجاد و تعریف می‌کند (Lauterbach, 2011: 63). به عبارتی، در رویکرد فرهنگ راهبردی فرض می‌شود که منافع کشور در بستر موقت یا ثابتی از الگوی برداشتها در خصوص نقش کشور در سیاست بین‌المللی ساخته می‌شود (Neumann & Henrikki, 2005: 6). بدین ترتیب، کشورهایی که در فرهنگ راهبردی خود عناصر و مؤلفه‌های فرهنگی خاصی در زمینه دفاع و امنیت دارند، سیاست خارجی متفاوتی را دنبال می‌کنند. بنابراین، فرهنگ راهبردی با تعریف هویت و نقش ملی، بر تصمیم‌گیری سیاسی کشور تأثیر می‌گذارد (Balamir, 2007: 75). در واقع، فرهنگ راهبردی نقش متغیری مداخله‌گر را در تجزیه و تحلیل سیاست خارجی برای درک تصمیم‌گیری و رفتار کشورها ایفا می‌کند (سلیمی و حجازی، ۱۳۹۸: ۷۶).

۴. پیشینه

از دیدگاه رضانی (۱۳۸۰)، اصلی‌ترین سیاست خارجی ایران، کاربردی رویکرد سه‌وجهی تعاملی است: اوضاع داخلی، نظام بین‌المللی و سیاست خارجی. برای مطالعه سیاست خارجی به‌طور کلی، و در سیاست خارجی ایران به‌طور خاص، افزودن قید پویا به آن ضروری است. از دیگر مسائل مورد توجه رضانی، تداوم و تغییر در سیاست خارجی است؛ وی تأکید دارد که پژوهشگران در بررسی‌های خود باید به پیوستگی و تغییر در الگوی مؤلفه‌های سیاست خارجی توجه بسیاری داشته باشند. رضانی (۱۳۹۹؛ ۱۴۰۳) علاوه بر توصیف نظام‌مند و تحلیل انتقادی تاریخ سیاست خارجی ایران، اسناد دست اول و منابع آرشیوی در خور توجهی را بررسی کرده و از آن مهم‌تر، مبنای نظری خود را دوباره با عنوان «مدل تعامل سه‌جانبه پویا» طرح کرده است.



شکل ۱. عناصر فرهنگ راهبردی (منبع: یافته‌های تحقیق)

ولی نصر در تحلیل سیاست خارجی ایران و رفتار منطقه‌ای آن، برخلاف دیدگاه‌های رایج که ایران را صرفاً کشوری ایدئولوژیکی معرفی می‌کنند، نشان می‌دهد که تصمیم‌های کلان ایران بیش از هر چیز از ترس از تهاجم خارجی و واپاشی داخلی نشأت می‌گیرد. در کتاب وی، به زبان اصلی، بینش دقیقی از رویکرد ژئوپلیتیکی ایران در منطقه و کشورهای آن مطرح شده است (Nasr, 2025).

عبیر محمود عوآد معتقد است که سیاست خارجی ایران در تقویت نفوذ منطقه‌ای و بین‌المللی خود با حمایت از جنبش‌های مقاومت فلسطین آشکار می‌شود، زیرا این حمایت را بخشی از راهبرد گسترده‌تر خود برای مقابله با اسرائیل و غرب و تقویت جایگاه خود در جهان اسلام می‌داند. علاوه بر این، حمایت ایران از جنبش‌های مقاومت ابزاری مهم برای افزایش نفوذ منطقه‌ای و تشکیل اتحادهای راهبردی است. وی همچنین، حمایت ایران را از مقاومت فلسطین بخش مهمی از راهبرد منطقه‌ای و بین‌المللی آن برای افزایش نفوذ و به‌چالش کشیدن هژمونی اسرائیل و غرب در منطقه می‌داند. اگرچه این حمایت جایگاه ایران را در برخی محافل منطقه‌ای و اسلامی افزایش می‌دهد، تنش‌های قابل توجهی با کشورهای

میلنه‌رو عربی و کشورهای غربی پدید می‌آورد و به اعمال تحریم‌های شدید و افزایش فشار بین‌المللی بر تهران منجر شده است. حمایت ایران از جنبش‌های مقاومت فلسطین همچنین، روابط ایران را با بسیاری از کشورهای میانه‌رو عربی و مخالف رویکرد نظامی به مقاومت، پیچیده کرده است (Awwad, 2024).

سیدعلی علوی ماهیت روابط بین ایران و فلسطین را با بررسی رابطه بین دولت و مقام‌ها در غرب آسیا مطرح می‌کند. او با تحلیل ارتباطات جنبش‌های انقلابی ایران، دیدگاه‌های هر دو اردوگاه چپ و اسلامی را به‌طور دقیق بررسی کرده است. در این مطالعه، با نشان دادن موضع طرفدار فلسطین ایران پس از انقلاب، بر علل ریشه‌های دیدگاه ایدئولوژیکی و منافع دولت تمرکز شده است. با وجود حجم فزاینده‌ای از متون پژوهشی درباره انقلاب ایران و تأثیرات آن بر منطقه، ارتباط ایران با فلسطین نادیده گرفته شده است (Alavi, 2020).

سیدجلال دهقانی فیروزآبادی (۱۳۸۸) از چارچوب مفهومی جیمز روزنا برای ارزیابی و تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بهره گرفت. وی به دنبال نظریه‌ای تلفیقی نبود، بلکه چارچوبی مفهومی را می‌جست که به لحاظ روشی و منطقی امکان توضیح متغیرها را در سطوح مختلف داشته باشد.

یوسف یعقوبی‌منفرد (۱۳۸۹) معتقد است که حمایت از فلسطین در ارتباط مستقیم با منافع ملی جمهوری اسلامی ایران است و باعث ارتقای جایگاه سیاسی و اقتدار جمهوری اسلامی در منطقه غرب آسیا و در صحنه جهانی شده است. در راستای این فرضیه، به بررسی مفهوم منافع ملی، تعریف مفهوم منافع ملی، تاریخچه و انواع آن، تعریف مصالح اسلامی و رابطه منافع ملی و مصالح اسلامی پرداخته و سه دیدگاه مهم در قالب سه نظریه را مطرح کرده است: اصالت منافع ملی، تقدم و اهمیت مصالح ملی، نظریه تجمیع منافع ملی و مصالح اسلامی.

احمد فریدونی و نسیم شهبازی (۱۳۹۱) با هدف پاسخگویی به این پرسش اصلی که «فلسطین از چه جایگاهی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران برخوردار است؟»، علاوه بر شرح تاریخ مناسبات جمهوری اسلامی ایران و فلسطین سعی دارند، با استفاده از ابزار نظری موجود در رشته روابط بین‌الملل، استدلالی علمی و در خوری درباره چرایی این مناسبات مطرح کنند.

ابوالفضل درواری (۱۳۹۷) به دنبال پاسخ به این پرسش بوده است: آیا مسئله فلسطین تنها و اصلی‌ترین متغیر تعیین‌کننده برای فهم سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در چهار دهه گذشته در قبال کشورهای عربی است؟ وی معتقد

است که سیاست خارجی ایران دو رکن عینی (شامل منافع، تهدیدها و رقابت‌ها) و ذهنی (محاسبه‌ها، ذهنیت، ایدئولوژی و هویت) دارد. هریک از این دو رکن در شکل‌دادن به رابطه ایران با کشورهای عربی نقش اساسی داشته است. مسئله فلسطین با ماهیت عقیدتی و ایدئولوژیکی، اسباب مخالفت فعال ایران با روند سازش اعراب و اسرائیل، قطع رابطه سیاسی با مصر، انتقاد از دولت‌های عربی به دلیل رابطه مخفی با اسرائیل، حمایت از جریان‌های سیاسی و نظامی مقاومت و مقابله با جریان‌های سیاسی وابسته به دولت‌های بزرگ عربی را ایجاد کرد، اما فراتر از مسئله فلسطین و مسائل عقیدتی و ایدئولوژیکی، در بعد عینی، مسئله موازنه قدرت و رقابت و کسب نفوذ در منطقه و در بعد ذهنی و معنایی، درگیری‌های شیعی-سنی و مسائل تاریخی مربوط به آن در شکل‌دادن به رابطه ایران با دول قدرتمند عربی نقشی اساسی داشته است.

علیرضا کشاورزی‌نیا و همکاران (۱۳۹۸) در پاسخ به این سؤال که تأثیر مسئله فلسطین در روابط سیاسی ایران و اسرائیل چگونه است؟ معتقدند حمایت از ملت فلسطین تنها دفاع از سرزمینی اسلامی محسوب نمی‌شود، بلکه جلوگیری از گسترش تهدیدهای اسرائیل و حمایت از منافع ملی ایران است و در صورت پیروزی انتفاضه و احقاق حقوق مردم فلسطین می‌توان گفت زمینه‌های توسعه‌طلبی و تهدیدهای دولت اسرائیل تا حدی کاهش یافته و امکان بازسازی نظم منطقه‌ای با مشارکت دولت اسلامی فراهم شده است.

حسن آرایش و همکاران (۱۴۰۳) با صورت‌بندی این مسئله که کدام سناریو برای سیاست خارجی ایران در برابر عادی‌سازی مناسبات اعراب و اسرائیل بعد از پیمان ابراهیم در ارتقای این منافع مؤثرتر است، معتقدند با توجه به سطح فزاینده و رو به گسترش روند عادی‌سازی، تکمیل ادغام اسرائیل در مجموعه امنیتی غرب آسیا، اصول و آرمان‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در خصوص موجودیت اسرائیل، اختلاف‌های ایدئولوژیکی، دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای، نگاه ابزاری و متفاوت کشورهای خلیج فارس، همچنین تصور تهدید از ایران به عنوان برهم‌زننده موازنه قوا در منطقه، سناریوی پیگیری حفظ و توسعه روابط دو و چندجانبه با همسایگان عربی و کشورهای منطقه با هدف تضعیف توافق عادی‌سازی میان آن‌ها ضروری به نظر می‌رسد. نتایج آن‌ها نشان می‌دهد که توافق ابراهیم، عامل دشمنی و تنش‌سازی آشکار علیه جمهوری اسلامی است و الگوی مطلوب ایران تنش‌زدایی با اعراب در چارچوب روندی تعاملی و تدافعی مبتنی بر

دیپلماسی تعامل و پیوند و دوستی با اعراب به خصوص در منطقه خلیج فارس است.

هدف جواد عرب مارکده (۱۳۹۰) فراهم آوردن زمینه پژوهش برای فضای آموزشی و پژوهشی کشور در مسئله فلسطین بود. یافته‌های تحقیق وی حاکی از آن است که جمهوری اسلامی ایران از فلسطین حمایت می‌کند و همه فلسطین را برای همه فلسطینی‌ها می‌داند.

اما، نزدیک‌ترین نوشتار به مضمون پژوهش پیش رو پژوهش عبدالله سهرابی (۱۴۰۰) است. وی تبیین چشم‌انداز سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در موضوع فلسطین را هدف اصلی نوشتار خود می‌داند و به دنبال تدوین سناریوهای ممکن، محتمل و مطلوب در آینده سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران درباره موضوع فلسطین است (سهرابی و خرمشاد، ۱۴۰۲).

مهم‌ترین وجوه تمایز این پژوهش با آثار قبلی، نخست در نوآوری روش‌شناختی آن است. مسئله اصلی این است که هیچ‌یک از پژوهش‌های گفته‌شده با روش آمیخته و ترکیبی انجام نشده است. دوم، برای نخستین بار از نرم‌افزار میک‌مک برای شناسایی عوامل کلیدی و تبیین پیش‌ران‌های مؤثر بر سیاست خارجی ج.ا.ا در قبال مسئله فلسطین و سناریوی ویزارد برای سناریوهای پیش روی انجام می‌شود. سوم، در برخی پیشینه‌ها صرفاً در قالب چارچوب نظری و از منظر مکاتب مختلف، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بررسی شده است.

۵. روش‌شناسی

این تحقیق با رویکرد آینده‌پژوهی طراحی و انجام شد. به لحاظ روشی، هسته اصلی آن تحلیل ساختاری است که از روش‌های متنوعی در بخش‌های مختلف آن استفاده شده است. از دیدگاه وندل بل، در آینده‌پژوهی، به دنبال مطالعه نظام‌مند، کشف، ابداع، عرضه، آزمون و ارزیابی آینده‌های ممکن، محتمل و مطلوب هستیم. آینده‌پژوهی انتخاب‌های مختلفی را راجع به آینده فراروی افراد و سازمان‌ها قرار می‌دهد و در انتخاب و پی‌ریزی مطلوب‌ترین آینده به آن‌ها کمک می‌کند (Bell, 2003: 73).

روش استفاده‌شده در این پژوهش برنامه‌ریزی مبتنی بر سناریو با رویکرد

جی بی ان (GBN)^۱ یا عدم قطعیت‌های بحرانی است. روش گردآوری داده در این پژوهش کیفی و با استفاده از مصاحبه، پنل خبرگی و پیمایش دلفی است (عسگری، ۱۴۰۱: ۱۱۶). همچنین، از نرم‌افزارهای میک‌مک و سناریوی ویزارد برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شد. بر این اساس، مبانی روشی پژوهش تحلیل تأثیر متقاطع برای بررسی عوامل کلیدی مؤثر بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال مسئله فلسطین استفاده شد تا با استفاده از روش آینده‌پژوهی (Fasnacht & Schlosser, 2025: 4-6) تأثیر هر یک از این متغیرها در آینده محتمل مشخص شود. تحلیل تأثیر متقاطع بر پایه این مفروض است که رویدادها و فعالیت‌ها در خلأ رخ نمی‌دهد و سایر رویدادها و محیط پیرامون به‌طرز چشمگیری به احتمال رخداد وقایع معین تأثیر می‌گذارد؛ بنابراین، در تحلیل اثر متقاطع سعی می‌شود تا روابط بین رویدادها و متغیرها را به هم مرتبط و شناسایی عوامل مؤثر بر آینده را ممکن کرد. این روابط، سپس نسبت به هم طبقه‌بندی می‌شود و برای تعیین اینکه کدام رویدادها در وقوع پدیده‌ای خاص در آینده اثر بیشتری دارد، اولویت‌بندی می‌شود (صحرائی، ۱۴۰۵: ۱۶۰).

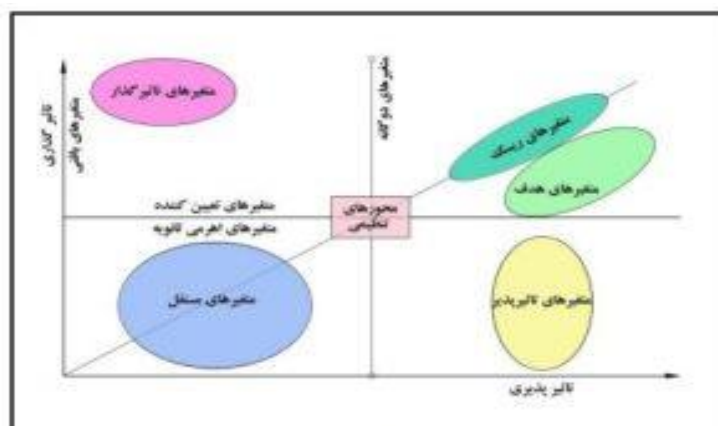
مراحل انجام تحلیل ماتریس متقاطع با استفاده از نرم‌افزار میک‌مک بدین شرح است:

- تهیه فهرست متغیرهای دخیل بر واقعه‌ای خاص؛
- تهیه ماتریس قطری n در n به تعداد متغیرها؛ سطرها نشان از میزان اثرگذاری و هر ستون نشان از میزان وابستگی هر متغیر است.
- کسب نظر درباره متغیرها از خبرگان؛ این تأثیر با عددی در مقیاس صفر تا سه مشخص می‌شود. عدد صفر بدون تأثیر؛ عدد ۱ تأثیر کم؛ عدد ۲ تأثیر متوسط و عدد ۳ تأثیر زیاد را نشان می‌دهد (صحرائی، ۱۴۰۴: ۶۲۶).
- رسم روندها روی نمودار و تعیین متغیرها بر اساس اولویت اثرگذاری.

در شکل ۲، نمایی نظری از تحلیل تأثیر متقاطع را ملاحظه می‌فرمایید. خروجی نرم‌افزار عوامل کلیدی مؤثر را برای تعیین نبود قطعیت‌ها به‌منظور ترسیم سناریوهای مورد نظر ایجاد می‌کند. در مجموع، متغیرها دو نوع تأثیر مستقیم و غیرمستقیم دارند که در ادامه به آن می‌پردازیم. در تحلیل صفحه پراکندگی می‌توان پنج گروه از متغیرها را در سیستم شناسایی کرد: ۱. متغیرهای تأثیرگذار؛

1. Global Bussiness Network

۲. متغیرهای دوگانه؛ ۳. متغیرهای مستقل؛ ۴. متغیرهای تأثیرپذیر؛ ۵. متغیرهای تنظیمی (صحرایی، ۱۴۰۵: ۱۶۰).



شکل ۲. نمای توزیع متغیرها در نرم افزار میک مک

این متغیرها در شکل ۲ نشان داده شده است. متغیرهای ریسک در این شکل، همان عوامل کلیدی موفقیت هستند. تحلیل متغیرهای این شکل از نظر اعمال شرایط و تعیین ناسازگارها و حذف متغیرهای غیرمؤثر با نرم افزار میک مک انجام شد. برای این منظور، نخست متغیرهای تحقیق بر اساس مطالعه از مجموعه پژوهش‌های صورت گرفته و در دسترس در حوزه روابط ایران و فلسطین استخراج شد. سپس، براساس مبانی تحلیل میک مک که پاسخ از کارشناسان و متخصصان را مبنای تحلیل قرار داده است، پرسشنامه هدفمند تهیه شد و در اختیار متخصصان و کارشناسانی قرار گرفت که طی یک دهه گذشته پژوهشی در خصوص مسئله پژوهش منتشر کرده‌اند. در نهایت، با استفاده از نرم افزار میک مک، برهم کنشی متغیرها و اثر آن‌ها بر روابط ایران و قضیه فلسطین بررسی شد؛ بنابراین، متغیرهایی که در پژوهش‌های پیشین عوامل مؤثر معرفی شدند در این پژوهش با رویکرد آینده پژوهانه تحلیل شدند تا از طریق تحلیل اثر متقاطع، مهم‌ترین عوامل مؤثر شناسایی شود.

۶. یافته‌ها

در ادامه، مجموع یافته‌های تحقیق حاضر در چهار بخش شرح داده شده است.

۱.۶. یافته‌های توصیفی

در جدول ۱، فهرست متغیرهای انتخاب‌شده برای بررسی پیشران‌های کلیدی تأثیرگذار بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال فلسطین آمده است. تمامی متغیرها در پرسشنامه محقق‌ساخته با رویکرد آینده‌پژوهی اعمال شده است؛ بدین معنا که از پژوهشگران خواسته شد با تصور وقوع هر یک از متغیرها در آینده سیاست خارجی ایران بر فلسطین پیش‌بینی کنند. براین اساس، با مطالعه پژوهش‌های صورت‌گرفته با موضوع پژوهش، ۲۳ متغیر تأثیرگذار کلیدی مشخص شد.

جدول ۱. پیشران‌های نهایی برای ورود در نرم‌افزار میک‌مک

ردیف	برچسب بلند	برچسب کوتاه
۱	نفوذ و اثرگذاری جمهوری اسلامی ایران در منطقه	
۲	انزوای جمهوری اسلامی ایران در منطقه	
۳	به‌حاشیه راندن مسئله فلسطین به‌دست اسرائیل	
۴	افزایش هزینه مقاومت در داخل ایران	
۵	افزایش هزینه مقاومت در خارج از کشور	
۶	دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای	
۷	افزایش اثرگذاری تحریم‌ها بر ایران	
۸	ائتلاف‌سازی علیه محور مقاومت مثل ایجاد ناتوی عربی	
۹	جنگ داخلی بین فلسطینی‌ها	
۱۰	رشد و پیشرفت اقتصادی ایران	
۱۱	عدم‌رشد اقتصادی ایران	
۱۲	موازنه قوا در منطقه به نفع گروه‌های مقاومت	
۱۳	موازنه تهدید در منطقه علیه گروه‌های مقاومت	
۱۴	قدرت‌بازدارندگی و توان نظامی جمهوری اسلامی ایران	
۱۵	امکان‌سازش با رسمیت‌شناختن دولت فلسطین (دو دولتی)	
۱۶	دخالت دولت‌های خارجی در منطقه	
۱۷	فوت یا جابه‌جایی قدرت در ایران	
۱۸	نقش قدرت‌های نوظهور نظامی (مانند یمن)	
۱۹	مذاکرات مقطعی با ایالات متحده آمریکا	
۲۰	توسعه مناسبات کشورهای منطقه با رژیم صهیونیستی (عادی‌سازی روابط)	
۲۱	زعامت ایران در مسئله فلسطین و متحدساختن جبهه مقاومت	
۲۲	جلب توجه سازمان‌های بین‌المللی و افکار عمومی به جنایت‌های اسرائیل	
۲۳	درگیری مستقیم ایران و اسرائیل در منطقه	

در پژوهش حاضر نظره‌های ۲۵ کارشناس روابط بین‌الملل، سیاست خارجی و مطالعات منطقه‌ای بررسی و در قالب نرم‌افزار میک‌مک تحلیل شد. خروجی میک‌مک و مختصات متغیرهای پژوهش به ترتیب در پیوست ۱ و ۲ آمده است. نرم‌افزار میک‌مک برای محاسبات پیچیده ماتریس متقاطع طراحی شده است. ۲۳ پیشران انتخابی وارد ماتریس تحلیل ساختاری شد و با روش تحلیل آثار متقابل / ساختاری با نرم‌افزار میک‌مک برای استخراج عوامل اصلی تأثیرگذار بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال مسئله فلسطین تحلیل شد. براساس داده‌های جدول ۲ (معرف مختصات تحقیق) درباره تعداد متغیرها، ابعاد ماتریس 23×23 بود. تعداد تکرارها دو بار در نظر گرفته شد و درجه پرشدگی ماتریس $95/65$ درصد بود که نشان‌دهنده آن است که عوامل انتخاب‌شده در بیش از ۹۵ درصد موارد بر یکدیگر تأثیر داشته‌اند. از مجموع 506 رابطه قابل‌ارزیابی در این ماتریس، ۲۳ رابطه عدد صفر، ۱۶۰ رابطه عدد ۱، ۲۷۷ رابطه عدد ۲، ۶۹ رابطه عدد ۳ را نشان می‌دهد.

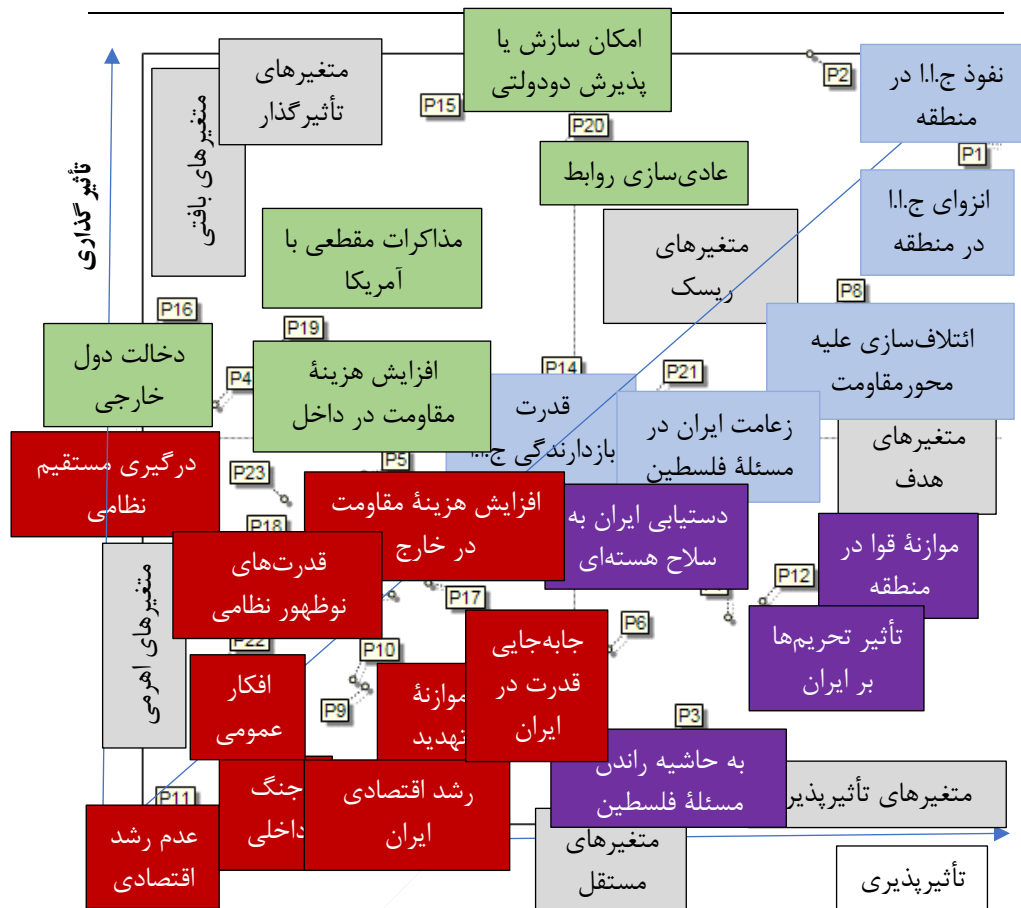
طبق یافته‌های جدول ۲ و پیوست ۳، محاسبه پایداری سیستم با ماتریس متغیرها و بر اساس شاخص‌های آماری نرم‌افزار انجام شد. با دوبار چرخش داده‌ای (با توجه به تعداد پیشران‌ها با نرم‌افزار میک‌مک)، تأثیرهای مستقیم از مطلوبیت و پایداری ۱۰۰ درصد بهره‌مند است که نشان‌دهنده روایی و پایایی بالای پرسشنامه و پاسخ‌های آن در دو بُعد تأثیرگذاری و تأثیرپذیری است.

جدول ۲. تحلیل اولیه داده‌های ماتریس آثار متقابل

تعداد ماتریس	تعداد صفر	تعداد ۱	تعداد ۲	تعداد ۳	درجه پرشدگی	مقدار
23×23	۲	۲۳	۱۶۰	۲۷۷	۶۹	506
						$95/65$

۲.۶. یافته‌های استنباطی

تحلیل نقشه توزیع متغیرها، پس از دریافت خروجی نرم‌افزار میک‌مک در شکل ۳ آمده است. مدل نهایی تقاطع تمامی متغیرها در شکل ۳ به تصویر کشیده شده و نحوه قرارگیری متغیرها در موقعیت مورد نظر به‌نمایش در آمده است. توضیح هر یک از متغیرها نیز درج شده است. به ترتیب به تحلیل و تشریح هر یک خواهیم پرداخت.



شکل ۳. پراکندگی شاخص‌ها و جایگاه آن‌ها در محور تأثیرگذاری-تأثیرپذیری

باتوجه به داده‌های حاصل از تحلیل ساختاری با نرم‌افزار میک‌مک، آینده سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال مسئله فلسطین دارای ساختار قدرت و وابستگی متغیری پیچیده‌ای است که در چهار ربع اصلی دسته‌بندی شده است. این تحلیل مبتنی بر منطق تحلیل ساختاری و نظریه سیستم‌های پیچیده است که در روش میک‌مک تجلی یافته است (Godet, 2000; 2003; Arcade et al., 2003). خروجی نرم‌افزار حاکی از آن است که از میان ۲۳ متغیر انتخابی، ۵ متغیر در گروه متغیرهای تأثیرگذار (بافتی یا تعیین‌کننده)، ۵ متغیر در گروه متغیرهای دوجبهی (۱ متغیر ریسکی، ۴ متغیر هدف)، ۴ متغیر در گروه متغیرهای تأثیرپذیر و ۹ متغیر نیز در گروه متغیرهای مستقل (یا اهرمی) قرار گرفتند. بر اساس این خروجی، طبقه‌بندی متغیرها به شرح زیر است.

الف) متغیرهای تأثیرگذار. در قسمت بالا، سمت چپ، متغیرهای

تأثیرگذار (بافتی یا تعیین کننده) قرار دارند که بیشترین تأثیرگذاری را بر سایر متغیرها و کمترین تأثیرپذیری از آنها را دارند؛ بنابراین، سیستم بسیار به این متغیرها وابسته است. در این بخش این متغیرها قرار دارد: «افزایش هزینه مقاومت در داخل ایران»، «امکان سازش با به رسمیت شناختن دولت فلسطین»، «دخاله دولت‌ها و قدرت‌های خارجی در منطقه»، «مذاکرات مقطعی با ایالات متحده آمریکا» و «عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی».

۱. حال باید هر یک از این متغیرها را با توجه به نقش آنها در سیستم تحلیل کرد. «افزایش هزینه مقاومت در داخل ایران». این پیشران داخلی حیاتی است. تغییر در این متغیر به طور مستقیم بر توازن قدرت داخلی، ثبات اجتماعی و توان چلنه زنی بین المللی سیستم تأثیر می گذارد. این متغیر احتمالاً بر تصمیم‌های مربوط به سایر متغیرها (مانند مذاکرات) سنگینی می کند.
۲. «امکان سازش با به رسمیت شناختن دولت فلسطین». متغیر ابزاری راهبردی و دیپلماتیک محسوب می شود. به عنوان متغیر مستقل، عاملی برای تغییر موازنه منطقه‌ای، ایجاد ائتلاف‌های جدید یا تغییر فضای مذاکرات بین المللی استفاده می شود.
۳. «دخاله دولت‌ها و قدرت‌های خارجی در منطقه». عامل خارجی تعیین کننده است. این متغیر زمینه و محدودیت‌های فعالیت سایر بازیگران، از جمله ایران، را شکل می دهد. در جایگاه پیشران، تحولات این متغیر ممکن است بحران، فرصت سازی یا تغییر قواعد بازی برای کل سیستم را به دنبال داشته باشد.
۴. «مذاکرات مقطعی با ایالات متحده آمریکا». این متغیر نقش ابزار کنترلی کوتاه مدت را ایفا می کند. قرارگیری آن در این بخش نشان می دهد که تصمیم برای ورود به این مذاکرات، عامل تأثیرگذار فعالی است که برای مدیریت تنش‌ها، خرید زمان یا ایجاد فضای مانور تاکتیکی استفاده می شود، اما خودش تابع نوسان‌های دیگر نیست.
۵. «عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی». این متغیر تغییردهنده بازی ژئوپلیتیکی است. انجام یا عدم انجام آن، ساختار اتحادها و دشمنی‌های منطقه را به طور اساسی متحول می کند و بر معادلات امنیتی همه بازیگران، از جمله متغیرهای داخلی (مانند «هزینه مقاومت»)، تأثیر مستقیم و شدیدی می گذارد.

ب) متغیرهای مستقل. در قسمت پایین، سمت چپ، متغیرهای مستقل و اهرمی معرفی می‌شود. متغیرهای «مستقل» یا «مستثنی» تأثیرگذاری و تأثیرپذیری کمی دارند و گویا ارتباطی با سیستم ندارند، زیرا نه باعث توقف متغیر اصلی و نه باعث تکامل و پیشرفت آن در سیستم می‌شوند (صحرايي، ۱۴۰۴: ۶۲۶). متغیرهای «افزایش هزینه مقاومت در خارج از کشور»، «جنگ داخلی بین فلسطینی‌ها»، «رشد و پیشرفت اقتصادی»، «عدم رشد اقتصادی ایران»، «موازنه تهدید در منطقه علیه گروه‌های فلسطینی»، «فوت یا جابه‌جایی قدرت در ایران»، «نقش قدرت‌های نوظهور نظامی در منطقه»، «جلب توجه سازمان‌های بین‌المللی و افکار عمومی به جنایات اسرائیل»، «درگیری مستقیم ایران و اسرائیل در منطقه» در این بخش قرار دارند. این متغیرها عوامل حاشیه‌ای یا ابزاری هستند. در ادامه، هر یک از این متغیرها را به‌طور جداگانه تحلیل می‌کنیم.

۱. «افزایش هزینه مقاومت در خارج از کشور». این متغیر نشان می‌دهد که فشارهای بین‌المللی و مالی بر شبکه‌های حامی مقاومت، در مدل حاضر، عاملی حاشیه‌ای تلقی می‌شود. احتمالاً به این دلیل که بازیگران اصلی (مانند ایران یا گروه‌های فلسطینی) راه‌هایی برای دورزدن یا تحمل این فشارها یافته‌اند یا اینکه تصمیم‌گیری‌های آنان بیشتر تحت تأثیر انگیزه‌های ایدئولوژیک و امنیتی است تا ملاحظات اقتصادی.

۲. «جنگ داخلی بین فلسطینی‌ها». قرارگیری این متغیر بسیار در خور تأمل است. این نشان می‌دهد که در مدل حاضر، اختلاف‌های داخلی فلسطینی‌ها امری «داده‌شده» و ثابت در نظر گرفته می‌شود که نه باعث پیشرفت سیستم می‌شود و نه باعث توقف آن. سیستم به‌گونه‌ای طراحی شده است که با وجود این درگیری‌ها به کار خود ادامه دهد.

۳. «رشد و پیشرفت اقتصادی»، و ۴. «عدم رشد اقتصادی ایران». قرارگیری این دو متغیر در کنار هم پارادوکس تحلیلی را نشان می‌دهد. از یک‌سو، رشد اقتصادی عاملی غیرمؤثر دیده می‌شود (شاید به دلیل اینکه تأثیرات آن بلندمدت است و در دینامیک کوتاه‌مدت مناقشه نقش ندارد)؛ از سوی دیگر، «عدم رشد» نیز در همین دسته است. این ممکن است نشان‌دهنده این باشد که اقتصاد در این سیستم متغیری راهبردی محسوب نمی‌شود و عوامل امنیتی-نظامی-سیاسی بر آن غالب است.

۵. «موازنه تهدید در منطقه علیه گروه‌های فلسطینی». این امر نشان می‌دهد

که ائتلاف‌های منطقه‌ای علیه گروه‌های فلسطینی، اگرچه وجود دارد، در مدل حاضر عاملی تعیین‌کننده در تغییر رفتار یا سرنوشت این گروه‌ها نیست.

۶. «فوت یا جابه‌جایی قدرت در ایران». این یافته بسیار مهم است. این تحلیل نشان می‌دهد که سیستم مقاومت و مناقشه با اسرائیل تا حدی نهادینه شده است که حتی با تغییر رهبری در ایران نیز (حداقل در کوتاه‌مدت) مسیر خود را ادامه می‌دهد. این متغیر شوک خارجی دیده می‌شود که سیستم توانایی جذب آن را دارد.

۷. «نقش قدرت‌های نوظهور نظامی در منطقه». به بازیگرانی مانند ترکیه یا امارات اشاره دارد. این تحلیل نشان می‌دهد که ورود این بازیگران جدید، اگرچه جغرافیای سیاسی منطقه را تغییر داده، اما نتوانسته است معادله اصلی مناقشه فلسطین و اسرائیل و نقش بازیگران اصلی آن را (ایران، گروه‌های فلسطینی، اسرائیل) به‌طور اساسی متحول کند.

۸. «جلب توجه سازمان‌های بین‌المللی و افکار عمومی به جنایات اسرائیل». این مورد تأیید می‌کند که در این مدل، «دیپلماسی عمومی و بین‌المللی» اهرمی ضعیف است. سیستم به‌گونه‌ای است که حتی با محکومیت‌های بین‌المللی نیز به حرکت خود ادامه می‌دهد و این محکومیت‌ها به تغییر قواعد بازی نمی‌انجامد.

۹. «درگیری مستقیم ایران و اسرائیل در منطقه». شاید جالب‌ترین مورد این فهرست باشد. این تحلیل پیش‌بینی می‌کند که حتی در صورت وقوع درگیری مستقیم و محدود بین ایران و اسرائیل، این درگیری عامل تعیین‌کننده نهایی عمل نمی‌کند و سیستم پس از آن به حالت قبلی خود بازمی‌گردد یا به مسیر دیگری می‌رود. این درگیری «حادثه» تلقی می‌شود نه «عامل تغییر ساختاری».

پ) متغیرهای «تأثیرپذیر» / متغیرهای «نتیجه». متغیرهایی که در قسمت پایین، سمت راست قرار دارند، تأثیرگذاری کم و تأثیرپذیری بسیار زیادی دارند. بنابراین، نسبت به تکامل متغیرهای تأثیرگذار و دوجبه‌ی، بسیار حساس و متغیرهای خروجی از سیستم هستند. متغیرهای «به‌حاشیه راندن مسئله فلسطین توسط اسرائیل»، «دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای»، «افزایش اثرگذاری تحریم‌ها

بر ایران»، و «موازنه قوا در منطقه به نفع جریان مقاومت» در این قسمت قرار دارند. این متغیرها شاخص‌های عملکرد یا پیامدهای نهایی سیستم و تأثیرپذیر از تعامل‌های متغیرهای تأثیرگذار و متغیرهای ریسک/هدف هستند. تحلیل متغیرهای این قسمت به شرح زیر است.

۱. «به حاشیه رلندن مسئله فلسطین». این متغیر نشان‌دهنده نتیجه موفقیت‌آمیز یا ناموفق راهبرد اسرائیل، همچنین میزان اثربخشی مقاومت در مقابل این راهبرد است. تحولات در متغیرهای مستقل (مانند تغییر در موازن قوای جهانی) یا متغیرهای دوجویی (مانند عادی‌سازی روابط برخی کشورهای عربی با اسرائیل) به‌طور مستقیم بر این نتیجه تأثیر می‌گذارد.
۲. «دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای». این متغیر نتیجه غایی فرایندی پیچیده است. این نتیجه به شدت تحت تأثیر متغیرهای مستقل (مانند اراده سیاسی رهبری ایران، توانمندی علمی) و متغیرهای دوجویی (مانند موفقیت مذاکرات هسته‌ای، سطح تنش‌های امنیتی) قرار دارد. این متغیر خود شاخص عملکرد برای دو جبهه موافق و مخالف است.
۳. «افزایش اثرگذاری تحریم‌ها بر ایران». این شاخص کلیدی از اثربخشی ابزار فشار اقتصادی غرب است. میزان تأثیرگذاری تحریم‌ها به‌طور مستقیم به عملکرد متغیرهای دیگر مانند «کارآمدی اقتصاد ایران»، «تولنایی ایران برای دورزدن تحریم‌ها» (که خود ممکن است متغیرهای دوجویی باشند) و «انسجام بین‌المللی در اعمال تحریم‌ها» (متغیر مستقل خارجی) بستگی دارد.
۴. «موازنه قوا در منطقه به نفع جریان مقاومت». این متغیر، مهم‌ترین شاخص نهایی برای سنجش قدرت جریان مقاومت در مقابل بلوک رقیب است. این نتیجه، خروجی نبردهای گسترده‌تر در عرصه‌های سیاسی، امنیتی و رسانه‌ای است و به شدت از تحولات سایر متغیرها (مانند نتیجه جنگ‌های نیابتی، محبوبیت جریان مقاومت، قدرت متحدان) تأثیر می‌پذیرد.

این تحلیل تأیید می‌کند که تحولات منطقه‌ای بسیار درهم‌تنیده و وابسته به یکدیگر هستند. برای تأثیرگذاری بر این نتایج نهایی (خروجی‌ها)، نمی‌توان مستقیم روی آن‌ها متمرکز شد، بلکه باید بر متغیرهای تأثیرگذار و دوجویی تمرکز کرد که محرک سیستم هستند. از منظر جریان مقاومت، سیستم هشدار

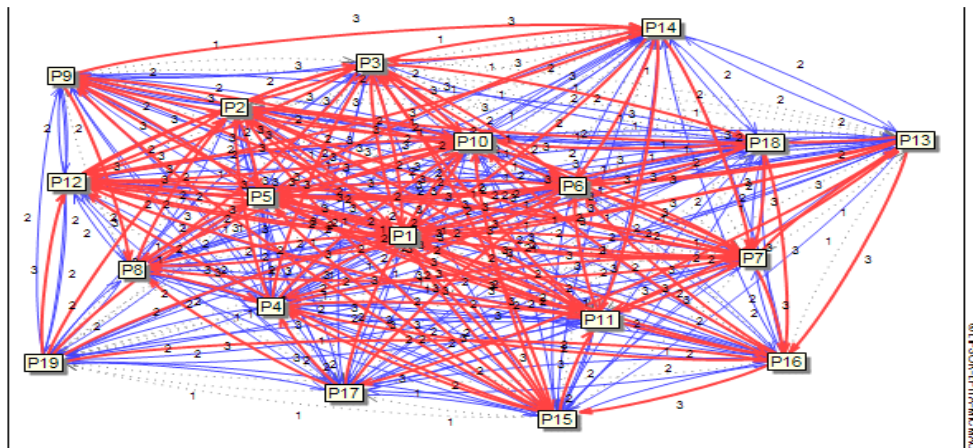
می‌دهد که این متغیرهای کلیدی (مانند موازنه قوا) بسیار آسیب‌پذیر و حساس به تحولات هستند و برای حفظ یا بهبود آن‌ها، باید به تقویت متغیرهای پیش‌برنده (مانند قدرت بازدارندگی، انسجام درونی) و مدیریت متغیرهای ناپایدار (مانند ثبات منطقه‌ای) پرداخت. از منظر بلوک مقابل، این تحلیل نشان می‌دهد که برای تأثیرگذاری بر نتایجی مانند برنامه هسته‌ای ایران یا موازنه قوا، فشار مستقیم کافی نیست و باید بر متغیرهای واسطه و تأثیرگذار در سیستم اثر گذاشت. در اصل، این مدل نشان می‌دهد که این چهار متغیر، علائم حیاتی سیستم سیاسی-امنیتی منطقه هستند که سلامت یا بحران آن را نشان می‌دهند، اما برای درمان یا تغییر این علائم، باید به «عوامل بیماری‌زا» یا «عوامل تقویت‌کننده» در سایر بخش‌های سیستم پرداخت.

ت) متغیرهای دووجهی «ریسک» و «هدف». این متغیرها در بالای نمودار، سمت راست قرار دارند و ظرفیت بسیار بالایی برای تبدیل شدن به بازیگران کلیدی سیستم دارند، زیرا به علت ماهیت ناپایدار آن‌ها، ظرفیت تبدیل شدن به «نقطه انفصال» سیستم را دارند. بنابراین، با قطعیت مقبولی، نتایج تکامل سیستم شناسایی می‌شود. با دستکاری این متغیرها، می‌توان به تغییرات و تکامل سیستم در جهت موردنظر، دست یافت. بنابراین، این متغیرها، نمایانگر «اهداف ممکن» سیستم هستند (ایروانی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۱۴). براساس یافته‌های تحقیق، متغیرهای این بخش عبارت‌اند از: «نفوذ و اثرگذاری جمهوری اسلامی ایران در منطقه»، «انزوای جمهوری اسلامی ایران در منطقه»، «ائتلاف‌سازی علیه محور مقاومت»، «قدرت بازدارندگی و توان نظامی ایران» و «زعامت ایران در مسئله فلسطین و متحد ساختن جبهه مقاومت».

در تحلیل ساختاری با روش میک‌مک، متغیرهای دووجهی (که هم ممکن است منشأ عدم قطعیت و ریسک باشند و هم اهداف راهبردی سیستم محسوب شوند) اهمیت فوق‌العاده‌ای دارند. این متغیرها به دلیل ناپایداری ذاتی، توانایی تغییر جهت کل سیستم را دارند و دستکاری آن‌ها تکامل سیستم را به سمت مطلوب هدایت می‌کند. با تحلیل خروجی از نقشه شناختی فازی (FCM) که بر اساس متغیرهای دووجهی «ریسک و هدف» ترسیم شده است، می‌توان به نکات کلیدی و عمیقی دست یافت. این تحلیل را می‌توان در چند محور اصلی خلاصه کرد:

۱. ماهیت راهبردی متغیرهای دوجبهه؛ اهرم‌های کلیدی سیستم. این متغیرها (مانند نفوذ در مقلبل انزوای ایران) به دلیل ماهیت ناپایدار و دوجبهه خود، نقاط حساس یا نقاط اهرمی سیستم محسوب می‌شوند. این بدان معناست که تغییر در این متغیرها آثار غیرمتعارف و گسترده‌ای در کل سیستم ژئوپلیتیکی منطقه ایجاد می‌کند. به طور مثال، افزایش «نفوذ ایران» به طور هم‌زمان باعث تقویت «ائتلاف‌سازی علیه محور مقاومت» می‌شود، زیرا بازیگران رقیب برای خنثی کردن این نفوذ، دست به اقدام متقابل می‌زنند. این پویایی، ذات پیچیده و ضدتعدالی سیستم را نشان می‌دهد.
۲. نمایش میدان نبرد ژئوپلیتیکی؛ تقابل گفتمان‌ها. این پنج متغیر، در واقع خطوط اصلی تقابل راهبردی در غرب آسیا را ترسیم می‌کنند. تنها متغیرهای توصیفی نیستند، بلکه عرصه‌های نزاع بر سر هژمونی هستند. به طور مثال، متغیر «زعامت ایران در مسئله فلسطین» در تقابل مستقیم با متغیر «ائتلاف‌سازی علیه محور مقاومت» قرار دارد. این دو، دو روی یک سکه هستند: یکی نمایانگر گسترش نفوذ ایدئولوژیکی و راهبردی ایران است و دیگری نمایانگر تلاش بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برای مهار این نفوذ.
۳. هدف‌گذاری راهبردی؛ از تحلیل به عمل. همان‌طور که گفتیم، این متغیرها «اهداف ممکن» سیستم هستند. این بینش عملیاتی مهمی است: برای جمهوری اسلامی ایران، اهداف راهبردی باید حول تقویت متغیرهای مثبت (مانند نفوذ، قدرت بازدارندگی، و زعامت در فلسطین) و کاهش متغیرهای منفی (مانند انزوای منطقه‌ای و اثربخشی ائتلاف‌های مقابل) تعریف شود. راهبرد بازیگران مخالف معطوف به تضعیف متغیرهای مثبت برای ایران و تقویت متغیرهای منفی خواهد بود؛ به طور مثال، سرمایه‌گذاری دیپلماتیکی برای تشدید «انزوای ایران» یا تقویت نظامی متحدان برای خنثی کردن «قدرت بازدارندگی ایران».
۴. پویایی ذاتی سیستم؛ نقش «قدرت بازدارندگی». متغیر «قدرت بازدارندگی» و توان نظامی ایران «احتمالاً متغیر پایه عمل می‌کند. این متغیر مستقیم بر سایر متغیرها اثر می‌گذارد: از یک‌سو تقویت بازدارندگی، «نفوذ منطقه‌ای» را افزایش می‌دهد و تمایل به «ائتلاف‌سازی علیه ایران» را پرهزینه‌تر می‌کند؛ از سوی دیگر، تضعیف بازدارندگی ممکن است به سرعت

سایر متغیرهای منفی (مانند انزوا و ائتلاف سازی) را تشدید کند. بنابراین، این متغیر نقطه ثقل راهبردی در کل سیستم است.



..... کمترین تأثیر ————— تأثیر ضعیف ————— تأثیر متوسط

————— تأثیر نسبتاً زیاد ————— بیشترین تأثیر

(منبع: یافته‌های تحقیق براساس خروجی نرم‌افزار)

شکل ۴. نمودار تأثیر مستقیم، شامل ۱۰۰ درصد تأثیرها

۳.۶. شناسایی عدم قطعیت‌ها

عدم قطعیت‌های پژوهش بر اساس دو دسته عامل کلیدی احصا می‌شود: عوامل کلیدی تأثیرگذار، و عوامل کلیدی دوجویی.

جدول ۳. شناسایی عدم قطعیت‌ها

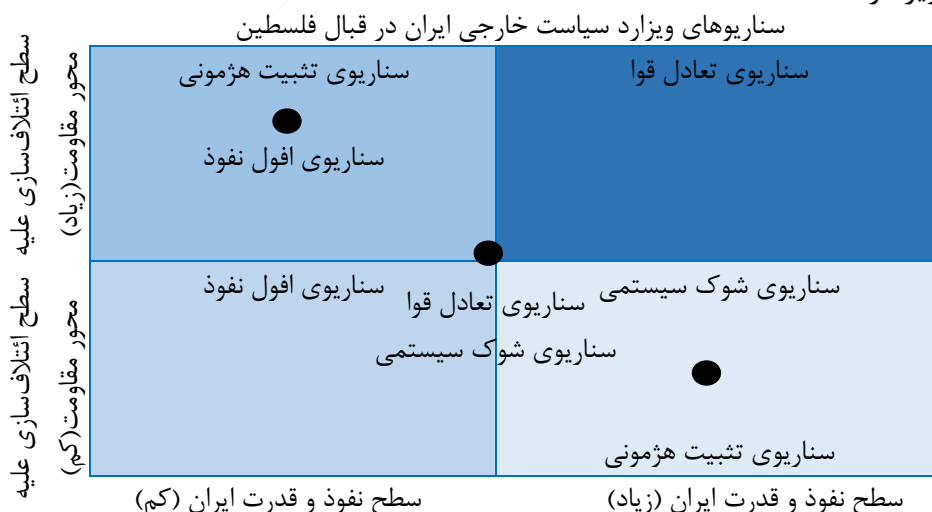
عوامل بافتی یا تأثیرگذار	عوامل دوجویی (ریسک / هدف)
- افزایش هزینه مقاومت در داخل ایران - امکان سازش با به رسمیت شناختن دولت فلسطین - دخالت قدرت‌های خارجی در منطقه - مذاکرات مقطعی با ایالات متحده آمریکا - عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی	- انزوای جمهوری اسلامی ایران در منطقه - ائتلاف سازی علیه محور مقاومت - قدرت بازدارندگی و توان نظامی جمهوری اسلامی ایران - زعامت ایران در مسئله فلسطین و متحد ساختن جبهه مقاومت - نفوذ و اثرگذاری جمهوری اسلامی ایران در منطقه

از آنجاکه رویکرد اصلی پژوهش حاضر، رویکرد جی بی ان (GBN) یا «عدم قطعیت‌های بحرانی» است، سناریوها از تقاطع دو عدم قطعیت بحرانی ساخته می‌شود. برای شناسایی عدم قطعیت‌های بحرانی نیز لازم است نخست فهرستی از عدم قطعیت‌ها شناسایی شود. سپس، از میان عدم قطعیت‌های شناسایی‌شده، با استفاده از دو معیار شدت عدم قطعیت و اهمیت عدم قطعیت، عدم قطعیت‌های بحرانی تعیین شود. در این گام، با استفاده از نتایج به‌دست‌آمده از گام قبلی (تحلیل تأثیرات متقابل)، فهرستی از عدم قطعیت‌ها شناسایی و سپس بر اساس دو معیار «اهمیت عدم قطعیت» و «شدت عدم قطعیت»، عدم قطعیت‌های بحرانی انتخاب می‌شود که در نهایت چارچوب سناریوها را شکل می‌دهد. فرایند انتخاب مبتنی بر نظر خبرگان انجام می‌شود. از بین این عوامل دوجبه‌ای، دو عامل محورهای سناریو انتخاب می‌شود، زیرا بیشترین ویژگی «عدم قطعیت زیاد» و «تأثیرگذاری راهبردی» را دارد. پیشران‌های منتخب برای محورهای سناریو به قرار زیر است:

محور X: نفوذ و قدرت منطقه‌ای ایران (از پایین به بالا)؛

محور Y: سطح ائتلاف‌سازی علیه محور مقاومت (از پایین به بالا).

این دو پیشران، آینده‌های کاملاً متفاوتی را ترسیم می‌کند و ترکیب آن‌ها چهار سناریوی محتمل ایجاد می‌کند: سناریوی ۱. تثبیت هژمونی؛ سناریوی ۲. تعادل قوا؛ سناریوی ۳. افول نفوذ؛ سناریوی ۴. شوک سیستمی. در شکل ۵ این چهار سناریو بر اساس دو محور کلیدی تعریف‌شده، به تصویر در آمده است.



شکل ۵. چارچوب سناریوها (منبع: یافته‌های پژوهش)

۴.۶. شرح تفصیلی سناریوها

سناریوی ۱. سناریوی تثبیت هژمونی (بهترین حالت)

• شرح سناریو: این سناریو زمانی محقق می‌شود که متغیرهای کلیدی نفوذ منطقه‌ای ایران، قدرت بازدارندگی و زعامت ایران در مسئله فلسطین تقویت و هم‌زمان متغیرهای مخالف مانند ائتلاف‌سازی علیه محور مقاومت و انزوای ایران تضعیف شود.

• عوامل محرک

- دخالت قدرت‌های خارجی در منطقه کاهش یابد؛
- کشورهای عربی عادی‌سازی روابط را با رژیم صهیونیستی متوقف کنند؛ و
- مذاکرات مقطعی با آمریکا به نتیجه نرسد یا به نفع ایران تمام شود.

• نتایج

- موازنه قوا در منطقه به نفع جریان مقاومت تغییر می‌کند.
- مسئله فلسطین در کانون توجه‌ها باقی می‌ماند.
- اثرگذاری تحریم‌ها بر ایران کاهش می‌یابد.

سناریوی ۲. سناریوی تعادل قوا (حالت متعادل)

• شرح سناریو: در این سناریو، متغیرهای دووجهی در حالت تعادل قرار می‌گیرند. نفوذ ایران و ائتلاف‌سازی علیه محور مقاومت هم‌زمان فعال می‌شود، اما هیچ‌یک بر دیگری غالب نمی‌شود.

• عوامل محرک

- ادامه مذاکرات مقطعی با آمریکا بدون نتیجه قطعی؛
- افزایش هزینه مقاومت در داخل و خارج از ایران؛ و
- تداوم جنگ داخلی فلسطینی‌ها.

• نتایج

- موازنه قوا در منطقه به‌طور شکننده حفظ می‌شود.
- مسئله فلسطین به حاشیه رانده نمی‌شود، اما تحول اساسی نیز رخ نمی‌دهد.
- تحریم‌ها بر ایران اثرگذار باقی می‌ماند، اما نظام مقاومت پایداری می‌کند.

سناریوی ۳. سناریوی افول نفوذ (بدترین حالت)

- شرح سناریو: این سناریو با تضعیف متغیرهای مثبت (نفوذ، قدرت بازدارندگی، و زعامت) و تقویت متغیرهای منفی (ائتلاف‌سازی علیه مقاومت، و انزوای ایران) همراه است.
- عوامل محرک
 - عادی‌سازی روابط کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی؛
 - افزایش اثرگذاری تحریم‌ها بر ایران؛
 - کاهش قدرت بازدارندگی ایران به دلیل فشارهای بین‌المللی.
- نتایج
 - موازنه قوا به ضرر جریان مقاومت تغییر می‌کند.
 - مسئله فلسطین به حاشیه رانده می‌شود.
 - انزوای منطقه‌ای ایران تشدید می‌شود.

سناریوی ۴. سناریوی شوک سیستمی (سناریوی غیرمنتظره)

- شرح سناریو: این سناریو بر اساس وقوع رویدادی غیرمنتظره (مانند درگیری مستقیم ایران و اسرائیل، تغییر ناگهانی رهبری در ایران یا جنگ داخلی گسترده در فلسطین) طراحی شده است.
- عوامل محرک
 - درگیری مستقیم ایران و اسرائیل؛
 - فوت یا جابه‌جایی قدرت در ایران؛ و
 - تغییر ناگهانی در موازنه قدرت منطقه‌ای.
- نتایج
 - سیستم با بازتعریف کامل مواجه می‌شود.
 - متغیرهای دوجبه‌ی به سرعت تغییر و جهت سیستم را عوض می‌کند.
 - سناریوهای قبلی بی‌معنا می‌شود و سناریوهای جدیدی شکل می‌گیرد.

۷. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف آینده‌پژوهی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال مسئله فلسطین در افق ۱۴۱۴ش (۲۰۳۵م) و با بهره‌گیری از روش تحلیل ساختاری (میک‌مک) و سناریونویسی انجام شد. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که آینده این سیاست، در سیستمی پیچیده و پویا شکل می‌گیرد که متأثر از

کنش متقابل ۲۳ پیشران کلیدی در حوزه‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی است. تحلیل نهایی ماتریس آثار متقابل، نقشه راهبردی ارزشمندی را ارائه می‌دهد که بر اساس آن می‌توان محتمل‌ترین روندهای آتی را ترسیم کرد. براساس خروجی نرم‌افزار از میان ۲۳ متغیر انتخابی، ۵ متغیر در گروه متغیرهای تأثیرگذار (بافتی یا تعیین‌کننده)، ۵ متغیر در گروه متغیرهای دووجهی (۱ متغیر ریسکی و ۴ متغیر هدف)، ۴ متغیر در گروه متغیرهای تأثیرپذیر، و ۹ متغیر نیز در گروه متغیرهای مستقل (یا اهرمی) قرار گرفتند. با تمرکز بر پیشران‌های دووجهی که هم اهمیت راهبردی زیاد و هم شدت عدم قطعیت زیادی داشتند، دو متغیر به‌عنوان عدم قطعیت بحرانی برای سناریوسازی انتخاب شد: «نفوذ و قدرت منطقه‌ای ایران» و «ائتلاف‌سازی علیه محور مقاومت». تقاطع این دو محور، چهار سناریوی محتمل را در افق ۱۴۱۴ ش به تصویر می‌کشد: «تثبیت هژمونی»، «تعادل قوا»، «افول نفوذ» و «شوک سیستمی».

سناریوهای ترسیم‌شده بر پایه تحلیل میک‌مک نشان می‌دهد که آینده راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در پرونده فلسطین، به‌طور جدی تحت تأثیر نوسان‌های متغیرهای دووجهی و تأثیرگذار است. برای تحقق سناریوی مطلوب (سناریوی «تثبیت هژمونی»)، ایران ناگزیر است بر تقویت متغیرهای کلیدی راهبردی از قبیل قدرت بازدارندگی جامع، نفوذ منطقه‌ای شبکه‌ای و زعامت گفتمانی در مسئله فلسطین متمرکز شود. در مقابل، مهار و جلوگیری از تشدید متغیرهای مخالف، نظیر ائتلاف‌سازی راهبردی بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای علیه محور مقاومت و تشدید انزوای بین‌المللی، امری حیاتی است. این مجموعه سناریوها راهنمای عملی پویایی برای سیاستگذاران و تحلیلگران در جهت تدوین، اصلاح و ارزیابی راهبردهای آینده استفاده می‌شود. سناریوی «تثبیت هژمونی» آرمان‌گونه‌ترین حالت، و مشروط به تحقق دو شرط هم‌زمان است: تضعیف ساختاری جبهه مقابل و تقویت هم‌زمان مؤلفه‌های قدرت ملی و نرم ایران. سناریوی «افول نفوذ» بدبینانه‌ترین حالت است و هشدار می‌دهد که تشکیل ائتلاف فراگیر ضدهژمونی و تضعیف داخلی، موازنه قوا را به زیان محور مقاومت و آرمان فلسطین تغییر می‌دهد. سناریوی «تعادل قوا» محتمل‌ترین وضعیت میانی و حاکی از تداوم رقابت‌های پیچیده و شکننده در قالب بازی با جمع صفر در منطقه است؛ حالتی که در آن هیچ‌یک از طرفین در کوتاه‌مدت و میان‌مدت قادر به کسب برتری قطعی نیست و سیستم در وضعیتی ناپایدار باقی می‌ماند. سناریوی

«شوک سیستمی» یادآور عدم قطعیت ذاتی سیستم‌های پیچیده است و خاطرنشان می‌کند که این معادله شکننده در برابر رویدادهای غیرمنتظره، ناگهانی و با دامنه تأثیر بالا بسیار آسیب‌پذیر است. رخدادی بزرگ ممکن است به سرعت پارادایم حاکم را دگرگون و تمامی محاسبات پیشین را بی‌اثر کند.

تحلیل ارائه‌شده نشان می‌دهد که آینده سیاست خارجی ایران در قبال فلسطین، نه تقدیری از پیش تعیین‌شده، بلکه میدانی از احتمال‌هاست که نتیجه تعامل پیچیده نیروهای داخلی و خارجی خواهد بود. برای حرکت به سمت سناریوی مطلوب (ثبیت هژمونی)، سیاستگذاری خارجی ایران باید بر چند محور اصلی متمرکز شود:

الف) تقویت پایه‌های قدرت ملی. حفظ و ارتقای قدرت بازدارندگی در ابعاد مختلف، تقویت اقتصاد مقاومتی برای کاهش اثرپذیری از تحریم‌ها و افزایش توان چانه‌زنی بین‌المللی؛

ب) تعمیق نفوذ منطقه‌ای هوشمند. توسعه و تحکیم شبکه متحدان (محور مقاومت) از طریق دیپلماسی فعال، حمایت‌های راهبردی و تقویت همگرایی درونی این محور؛

پ) مدیریت فعال محیط راهبردی. خنثی‌سازی طرح ائتلاف‌سازی علیه مقاومت از طریق دیپلماسی تفکیک، ایجاد شکاف در صفوف دشمنان، و بهره‌گیری از تناقض‌های موجود در راهبرد رقبای؛

ت) انعطاف‌پذیری راهبردی در برابر عدم قطعیت‌ها. طراحی سازوکارهای «ساخت تاب‌آوری» در برابر شوک‌های احتمالی و توسعه توانایی «پایش و هشدار سریع» برای شناسایی تحولات غیرخطی.

در نهایت، این پژوهش مؤید آن است که مسئله فلسطین کماکان مؤلفه‌ای هویت‌ساز و راهبردی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران باقی خواهد ماند. با این حال، شکل، شدت و دستاوردهای این سیاست در افق ۱۴۱۴ش، به طور مستقیم تحت تأثیر توانایی ایران در مدیریت پیشران‌های کلیدی شناسایی‌شده و جهت‌دهی به عدم قطعیت‌های بحرانی در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی پویا و پرچالشی قرار دارد. سناریوهای ترسیم‌شده نقشه راهی پویا و چارچوبی برای ارزیابی سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌های آتی برای استفاده سیاستگذاران و تحلیلگران پیشنهاد می‌شود.

تقدیر و تشکر

از بنیاد ملی علم به دلیل حمایت مادی و معنوی از این پژوهش صمیمانه سپاسگزاریم.

حامیان

این پژوهش با حمایت مالی و معنوی بنیاد ملی علم از طرح پژوهشی شماره ۴۰۴۰۰۰۸ انجام شده است.

تعارض منافع

این مقاله مشمول هیچ گونه تعارض منافع نیست.

مشارکت نویسندگان

نویسندگان در تألیف این مقاله مشارکت یکسان داشته‌اند.

اصول اخلاقی

نویسندگان در انتشار این مقاله، به طور کامل از اخلاق نشر، از جمله سرقت ادبی، سوءرفتار، جعل داده‌ها یا ارسال و انتشار دوگانه پرهیز داشته‌اند؛ منفعت تجاری در این راستا وجود ندارد. این مقاله حاصل تحقیقات خود نویسندگان است و اصالت محتوای آن را اعلام داشته‌اند. تألیف این مقاله به هوش مصنوعی داده نشده است.

دسترسی به داده‌ها

در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر درخصوص نحوه تجزیه و تحلیل داده‌ها در این مقاله، با نویسنده مسئول مکاتبه فرمایید.

پیوست‌ها

پیوست ۱. تأثیرهای متقابل متغیرها بر اساس نظر خبرگان

	1 : P2	2 : P1	3 : P3	4 : P4	5 : P5	6 : P6	7 : P7	8 : P8	9 : P9	10 : P10	11 : P11	12 : P12	13 : P13	14 : P14	15 : P15	16 : P16	17 : P17	18 : P18	19 : P19	20 : P20	21 : P21	22 : P22	23 : P23
1 : P2	0	3	1	1	2	2	3	3	1	3	1	3	2	3	2	2	3	2	1	2	3	1	2
2 : P1	2	0	2	2	1	2	2	3	2	2	2	3	2	2	1	1	2	2	3	3	2	2	2
3 : P3	1	3	0	1	1	2	1	3	3	1	1	2	2	1	2	1	2	1	2	2	2	1	1
4 : P4	2	3	2	0	2	2	2	2	2	1	2	2	2	2	2	1	2	2	1	2	2	2	1
5 : P5	2	1	1	2	0	2	3	2	2	1	2	2	2	2	2	1	2	2	3	2	2	1	1
6 : P6	3	3	2	2	2	0	2	2	1	1	2	1	2	1	1	1	1	1	2	2	1	3	3
7 : P7	1	2	2	2	3	1	0	2	3	2	1	2	1	1	2	1	2	2	1	2	2	1	2
8 : P8	3	3	2	2	2	2	3	0	2	1	1	2	1	2	2	2	2	2	1	2	2	2	1
9 : P9	2	1	3	1	2	2	2	3	0	1	1	1	2	2	1	1	2	1	2	2	2	2	1
10 : P10	1	2	1	2	2	1	2	2	1	0	3	2	1	3	2	1	1	1	2	2	1	2	2
11 : P11	1	2	2	3	1	1	1	1	1	2	0	1	2	2	2	2	2	2	1	1	1	2	2
12 : P12	2	3	2	2	2	2	1	1	1	2	1	0	1	1	2	1	2	2	2	1	3	2	2
13 : P13	2	1	2	2	2	1	2	2	2	1	1	2	0	2	2	2	1	1	2	3	1	2	2
14 : P14	3	3	2	2	2	2	1	2	1	3	2	1	2	0	2	1	2	1	2	2	2	2	1
15 : P15	2	2	2	1	2	3	2	2	2	2	3	3	3	2	0	2	1	1	2	2	3	2	2
16 : P16	2	2	2	1	2	2	2	3	2	3	1	2	2	2	2	0	1	2	2	2	2	2	1
17 : P17	3	2	2	1	1	1	1	2	1	2	1	3	1	3	1	2	0	1	3	2	2	1	2
18 : P18	2	2	3	2	1	2	2	1	2	1	2	1	2	1	1	3	1	0	1	2	2	2	3
19 : P19	2	2	1	2	2	2	3	1	2	3	2	2	2	2	2	2	3	1	0	1	2	1	2
20 : P20	2	2	3	1	2	3	2	3	3	2	2	1	3	2	3	2	2	2	1	0	1	2	1
21 : P21	3	1	2	1	2	2	2	2	2	1	2	3	1	2	3	3	2	2	1	0	1	1	1
22 : P22	2	2	2	2	1	2	2	1	1	1	2	2	2	2	2	2	1	2	2	2	1	0	2
23 : P23	2	3	2	1	1	3	3	2	1	2	2	2	2	1	1	1	3	3	2	1	1	1	0

© IPSOR-EPTA-MICMAC

(منبع: یافته‌های پژوهش)

ضریب تأثیر از ۰ تا ۳، با احتمال شناسی تأثیر بالقوه

۰: بدون تأثیر، ۱: تأثیر کم، ۲: تأثیر متوسط، ۳: تأثیر زیاد، P: تأثیر بالقوه

پیوست ۲. مختصات متغیرهای تحقیق

شاخص	ارزش
اندازه ماتریس	۲۳
تعداد تکرارها	۲
تعداد صفر	۲۳
تعداد ۱	۱۶۰
تعداد ۲	۲۷۷
تعداد ۳	۶۹
تعداد P	۰
جمع کل	۵۰۶
ضریب پرشدگی ماتریس	۹۵/۶۵۲۱۸ درصد

(منبع: یافته‌های پژوهش)

پیوست ۳. پایایی تحلیل

تکرار	ضریب نفوذ	ضریب وابستگی
۱	۹۲	۹۰
۲	۱۰۰	۱۰۰

(منبع: یافته های پژوهش)

منابع

- آرایش ح، ارغوانی پیرسلامی ف، صالحی ج، اسمعیلی م. (۱۳۹۵). «سناریوهای سیاست خارجی ج.ا.ا در مواجهه با عادی سازی روابط اعراب و اسرائیل در مجموعه امنیتی خاورمیانه». پژوهشنامه انقلاب اسلامی. ۱۴(۱): ۶۹-۸۷.
- <https://doi.org/10.22084/rjir.2024.28294.3700>
- اسمیت اس، هدفیلد ام، دان ت. (۱۳۹۱). سیاست خارجی؛ نظریه ها، بازیگران و موارد مطالعاتی. ترجمه حاجی یوسفی ام، محمودی م، کریمی ا. ج ۱، تهران: سمت.
- ایروانی ز، حاجیانی ا، حاضری ع، قریشی ف. (۱۳۹۸). «شناسایی پیشران های مؤثر بر گفتمان انقلاب اسلامی ایران در افق ۲۵ ساله». سیاستگذاری عمومی. ۵(۲): ۲۰۷-۲۲۸.
- <https://doi.org/10.22059/ppolicy.2019.72278>
- پوراخوندی ن. (۱۳۹۸). «فرهنگ راهبردی و راهبرد نظامی رژیم صهیونیستی». سیاست خارجی. ۳۳(۲): ۱۰۷-۱۲۸. https://fp.ipisjournals.ir/article_37101.html
- چپرسن آر ال، ونت ال، کترنشتاین پ جی. (۱۳۹۰). «هنجارها، هویت و فرهنگ در امنیت ملی». جلد ۱: هنجارها و هویت در سیاست جهانی. ویراسته کترنشتاین پ ج. ترجمه سمتی مه. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- چرنوف ف. (۱۳۸۸). نظریه و زیرنظریه در روابط بین الملل. ترجمه طیب ع. تهران: نی.
- درواری ا. (۱۳۹۷). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و مسأله فلسطین. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.
- دهقانی فیروزآبادی ج. (۱۳۸۸). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: سمت.
- رمضانی ر. (۱۴۰۳). تاریخ سیاست خارجی ایران (۱۳۲۰-۱۳۵۳): مطالعه سیاست خارجی ملل در حال نوسازی. ترجمه جواد ارجمند م ج. تهران: دانشگاه تهران.
- (۱۳۹۹). تاریخ سیاست خارجی ایران (از صفویه تا پایان پهلوی اول/ ۱۷۹ تا ۱۳۲۰ شمسی). ترجمه اسلامی ر، پزشکیان ز. تهران: نشر نی.
- (۱۳۸۰). چارچوبی برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. ترجمه طیب ع. تهران: نشر نی.
- سلیمی ح، حجازی ا. (۱۳۹۸). «تأثیر فرهنگ راهبردی بر تصمیم گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران». مطالعات راهبردی. ۲۲(۲): ۷۱-۱۰۳.
- https://quarterly.risstudies.org/article_93776_en.html
- سهرابی ع. (۱۴۰۰). آینده پژوهی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی:

- فلسطین). رساله دکترای علوم سیاسی، پردیس تحصیلات تکمیلی خودگردان دانشگاه علامه طباطبائی.
- سهرابی ع، خرمشاد م.ب. (۱۴۰۲). «آینده پژوهی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در مورد موضوع فلسطین». پژوهش‌های راهبردی سیاست. ۱۲(۳): ۱۶۲-۱۲۱. <https://doi.org/10.22054/qps.2023.68522.3066>
- صحرائی ع. (۱۴۰۵). «شناخت و تبیین پیشران‌های کلیدی مؤثر بر روابط ترکیه با ایران در افق ۲۰۳۵ م». فصلنامه مطالعات کشورهای، ۴(۱): ۱۴۵-۱۷۲. <https://doi.org/10.22059/jcountst.2025.393492.1274>
- (۱۴۰۴). «شناسایی و تبیین پیشران‌های اصلی تأثیرگذار بر بحران یمن». فصلنامه مطالعات کشورهای. ۳(۳): ۶۱۳-۶۴۴. <https://doi.org/10.22059/jcountst.2025.388919.1227>
- (۱۳۹۰). درآمدی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. مشهد: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی مشهد.
- صحرائی ع، نبی‌زاده ت. (۱۴۰۴). جنگ تحمیلی؛ تحول گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: رجال.
- عسگری م. (۱۴۰۱). «سناریوهای حکمرانی امنیتی در ج.ا.ا. در افق ۱۴۰۴». پژوهشنامه انقلاب اسلامی. ۱۲(۱): ۱۰۱-۱۲۷. <https://doi.org/10.22084/rjir.2022.25536.3436>
- عرب مارکده ج. (۱۳۹۰). مذاکرات سازش فلسطین و مواضع جمهوری اسلامی ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد گروه انقلاب اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی.
- فریدونی ا، شهبازی ن. (۱۳۹۱). جایگاه فلسطین در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- کشاورزی‌نیا ع، کلهر م، فروزش س. (۱۳۹۸). «تأثیر مساله فلسطین در روابط سیاسی ایران و اسرائیل در طی سال‌های ۱۳۲۷-۱۳۹۷». پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام. ۹(۴): ۲۵۵-۲۸۱. <http://priw.ir/article-1-1234-fa.html>
- موسوی م. (۱۴۰۱). «فرهنگ راهبردی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ منابع و تأثیرات». دوفصلنامه مطالعات فرهنگ دیپلماسی. ۱(۳): ۳۳-۵۲. http://www.sjcds.ir/article_168426.html
- یعقوبی منفرد ی. (۱۳۸۹). حمایت از فلسطین و منافع ملی جمهوری اسلامی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده الهیات، دانشگاه تهران.

- Alavi A. (2020). *Iran and Palestine: Past, Present, Future*. Routledge, Abingdon, Oxon. <https://doi.org/10.1080/03068374.2021.1908033>.
- Arab Markede J. (2011). *Palestinian Compromise Talks and Positions of Islamic Revolution of Iran*. Master Thesis, Islamic Tesching Speciality: Islamic Revolution. [in Persian]
- Arayesh H, Arghavani F, Salehi J, Esmaeili M. (2016). "Foreign policy scenarios of the Islamic Republic of Iran in the face of normalization of Arab-Israeli relations in the Middle East security complex". *A Quarterly Scientific Journal on Islamic Revolution*. 14(1): 69-81. <https://doi.org/10.22084/rjir.2024.28294.3700>. [in

- Persian]
- Arcade J, Godet M, Meunier F, Roubelat F. (2003). "Structural analysis with the MICMAC method & actor's strategy with MACTOR Method". In *Futures Research Methodology*. American Council for the United Nations University.
- Asgari M. (2022). "Security governance scenarios in the Islamic Republic of Iran on the horizon of 1404". *A Quarterly Scientific Journal on Islamic Revolution*. 12(1): 101-127. <https://doi.org/10.22084/rjir.2022.25536.3436>. [in Persian]
- Awwad AM. (2024). "Iranian foreign policy and its position on the Palestinian issue". *Pakistan Journal of Life and Social Sciences*. 22(2): 13838-13854. <https://doi.org/10.57239/PJLSS-2024-22.2.00994>.
- Balamir BO. (2007). "Does strategic culture matter? Old Europe, New Europe and the transatlantic security". *Perceptions*. 1(3): 71-90. <https://dergipark.org.tr/en/pub/perception/issue/48995/625099>.
- Bell W. (2003). "What do mean by future studies?". in Slaughter R. (Ed). *New Thinking For A New Millennium*. London: Rutledge. 3-25. <https://www.jstor.org/stable/pdf/resrep05909.8.pdf>.
- Chernov F. (2016). *Theory and Hyper Theory in International Relations, Conflicting Concepts and Interpretations*. Translated by Tayeb A. 4th Edition. Tehran: Ney Publishing. [in Persian]
- Cook-Huffman C. (2009). *The Role of Identity in Conflict, Handbook of Conflict Analysis and Resolution*. Edited by Sandole DJD, Byrne S, Sandole-Staroste I, Senehi J. Routledge. <https://www.taylorfrancis.com/chapters/edit/10.4324/9780203893166-13/role-identity-conflict-celia-cook-huffman>.
- Darvari A. (2018). *Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran and the Palestinian Issue*. Master's Thesis, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran. [in Persian]
- Dehghani Firouzabadi, J. (2009). *Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran*. Tehran: Samt. [in Persian]
- Erbas I. (2022). "Constructivist approach in foreign policy and in international relations". *Journal of Positive School Psychology*. 6(3): 5087-5096. https://www.researchgate.net/publication/364720915_Constructivist_Approach_in_Foreign_Policy_and_in_International_Relations.
- Fasnacht D, Schlosser J. (2025). "The role of foresight in bridging the gap between trends and customer experiences". *European Journal of Futures Research*. 13. <https://doi.org/10.1186/s40309-025-00256-6>.
- Fereidouni A, Shahbazi N. (2012). *The Position of Palestine in the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran*. Tehran: Islamic Revolution Documents Center. [in Persian]
- Godet M. (2003). *From Anticipation to Action: A Handbook of Strategic Prospective*. UNESCO Publishing. <https://unesdoc.unesco.org/ark:/48223/pf0000147340>.
- (2000). "The art of scenarios and strategic planning: Tools and Pitfalls". *The Journal of Future Studies, Strategic Thinking and Policy*. 2(1): 5-22. http://en.lapropective.fr/dyn/anglais/articles/art_of_scenarios.pdf.
- Irvani Z, Hajiani E, Hazeri AM, Quraishi F. (2019). "Identifying the drivers affecting the discourse of the Islamic Revolution of Iran in the 26-year horizon". *Public Policy Making*. 5(2): 207-228. <https://doi.org/10.22059/ppolicy.2019.72278>. [in Persian]
- Jefferson RL, Wendt A, Katzenstein PJ. (2011). "Trades, identity, and culture in national security". Vol 1: *Trades and Identity in World Politics*. edited by Katzenstein PJ. Translated by Samati MH. Tehran: Institute for Strategic Studies. [in Persian]
- Johnston A, Katzenstein P. (1996). "Cultural realism and strategy in Maoist China". in Katzenstein P. (ed.). *The Culture of National Security: Norms and Identity in World Politics*. New York: Columbia University Press, pp. 216-68. <https://www.semanticscholar.org/paper/Cultural-Realism-and-Strategy-in-Maoist->

- [China-Johnston-Katzenstein/99898ef7f8180328fd3675c879f81248ae1a81e3](https://doi.org/10.1017/CBO9780511575174).
- Keshavarzinia A, Kalhor M, Frozesh S. (2019). "The impact of the Palestinian issue on the political relations between Iran and Israel during the years 1327-1397". *SAIWS (Scientific Association of Islamic World Studies)*. 9(4): 255-281. <http://priw.ir/article-1-1234-fa.html>. [in Persian]
- Kubalkova V. (2016). *Foreign Policy in a Constructed World*. Routledge. <https://philpapers.org/rec/KUBFPI>.
- Lauterbach T. (2011). "Constructivism, strategic culture, and the Iraq war". *ASPJ Africa & Francophonie*. 4th Quarter. https://www.airuniversity.af.edu/Portals/10/ASPJ_French/journals_E/Volume-02_Issue-4/lauterbach_e.pdf.
- Lebow RN. (2009). *A Cultural Theory of International Relation*. New York: Cambridge University Press. <https://doi.org/10.1017/CBO9780511575174>.
- McDonald KM, Sundaram V, Bravata DM. (2007). *Closing the Quality Gap: A Critical Analysis of Quality Improvement Strategies (Vol. 7: Care Coordination)*. Agency for Healthcare Research and Quality. <http://www.ncbi.nlm.nih.gov/books/NBK44015/>.
- Meyer CO. (2004). "Theorising European strategic culture between convergence and the persistence of national diversity". *CEPS Working Document*. NO. 204, June. <https://www.europeansources.info/record/theorising-european-strategic-culture-between-convergence-and-the-persistence-of-national-diversity/>.
- Mohammad Nia M. (2010). "Understanding Iran's foreign policy: An application of holistic constructivism, alternatives". *Turkish Journal of International Relations*. 9(1): 148-180. <https://dergipark.org.tr/en/pub/alternatives/issue/1696/21108>.
- Mousavi M. (2022). "Strategic culture and foreign policy of the Islamic Republic of Iran". *Scientific Journal on Culture of Diplomacy Studies*. 1(3): 33-52. http://www.sjcds.ir/article_168426.html. [in Persian]
- Nasr V. (2025). *Iran's Grand Strategy: A Political History*. Pinceton University Press.
- Neumann IB, Henrikki H. (2005). "Grand strategy, strategic culture, practice: The social roots of nordic defence". *Cooperation and Conflict, Journal of the Nordic International Studies Association*. 40(1): 5-23. <https://www.jstor.org/stable/45084412>.
- Piet R, Simão L. (2016). *Security in Shared Neighbourhoods Foreign Policy of Russia, Turkey and the EU*. London: Palgrave Macmillan.
- Pourakhondi N. (2019). "Israel's strategic culture and its military strategy". *Foreign Policy*. 23(2): 107-128. https://fp.ipisjournals.ir/article_37101.html. [in Persian]
- Ramezani R. (2014). *History of Iranian Foreign Policy (1320-1353): A Study of the Foreign Policy of Modernizing Nations*. Translated by Javadi Arjomand MJ. Tehran: University of Tehran. [in Persian]
- (2011). *History of Iranian Foreign Policy (from the Safavids to the End of the First Pahlavi)*. Translated by Eslami R, Pezeshkian Z. Tehran: Ney. [in Persian]
- (2001). *A Framework for the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran*. Translated by Tayyeb A. Tehran: Ney Publication. [in Persian]
- Sahraie, A. (2026). "Identifying and explaining the key drivers affecting Türkiye's relations with Iran towards 2035". *Journal of Countries Studies*. 4(1): 145-172. <https://doi.org/10.22059/jcountst.2025.393492.1274>. [in Persian]
- (2025). "Identifying and explaining the main drivers affecting the Yemeni crisis". *Journal of Countries Studies*. 3(3): 613-644. <https://doi.org/10.22059/jcountst.2025.388919.1227>. [in Persian]
- (2011). *An Introduction to the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran*. Mashhad: Mashhad Islamic Azad University Publications. [in Persian]
- Sahraie A, Nabizadeh T. (2025). *The Imposed War: Discursive Evolution in the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran*, Tehran: Rijal. [in Persian]

- Salimi H, Hejazi A. (2019). "Impact of strategic culture on foreign policy decisions of the Islamic Republic of Iran". *Strategic Studies Quarterly*. 22(2): 71-103. https://quarterly.risstudies.org/article_93776_en.html. [in Persian]
- Smith S, Hedfield A, Dunne T. (2012). *Foreign Policy: Theories, Actors and Cases*. Translated by Hajiyousefi AM, Mahmodi M, Karimi A. Tehran: Samt. [in Persian]
- Sohrabi A. (2021). *Future Studies of Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran (Case Study: The Palestinian)*. Degree of Ph.D. in Political Science-Political Thought, Allameh Tabataba'i University, School of Graduate Studies Department of Political Science. [in Persian]
- Sohrabi A, Khoramshad MB. (2023). "A future study of foreign policy of the Islamic Republic of Iran: The case of Palestine". *Political Strategic Studies*. 12(46), 121-162. <https://doi.org/10.22054/qps.2023.68522.3066>. [in Persian]
- Wendt A. (1999). *Social Theory of International Politics*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Yaghoubi Monfared Y. (2010). *Supporting Palestine and the National Interests of the Islamic Republic*. Master's Thesis, Faculty of Theology, University of Tehran. [in Persian]